

## تصویر زیبایی شناسانه نقش الگوی تربیتی توحیدی از منظر قرآن و حدیث

حمیدرضا حاجی بابایی<sup>۱</sup>

### چکیده

از منظر قرآن، راه و روش رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، پیروی از الگوی تربیتی توحیدی است. قرآن هدف اصلی خلقت را تربیت انسان بیان می‌کند. و برای این هدف، نقشه راهی را تعیین نموده است. که در آن، قوانین، مسیر، الگو و روش‌ها را تعیین و چگونگی رسیدن به هدف را از طریق الگوهای کامل امکان‌پذیر نموده است. والگوی تربیتی توحیدی رادر قالب جامعه، صفات کلی، فردی کامل و گاهی با یک صفت خاص از یک فرد به تصویر کشیده و از الگوهای غیر توحیدی، بر حذر داشته است. تربیت توحیدی به سوی جهان بینی توحیدی تمایل دارد. «إِنَّمَا لِلَّهِ وَ إِنَّمَا إِلَهُهُ رَاجِعُونَ» (بقره، ۲، ۱۵۶). و به رب منتهی می‌گردد. «إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا» (نازعات، ۷۹، ۴۴). زیرا همه امور مسیر الهی دارند. «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری، ۴۲، ۵۳). از طرفی چون تربیت دانشی کاربردی است، که از علوم بنیادی، معرفت‌شناسی، الهیاتی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، کلام و فقه بهره می‌گیرد. و محدود در علوم دنیوی نیست. بر اساس این استدلال تربیت جایگاه ربوبی پیدا می‌کند. و مفهوم شناسی تربیت از ریشه "ربو" در قرآن دامنه محدود تحقیقی دارد. ولی از ریشه "رب" دامنه گسترده و وسیعی دارد. و "ربیت و ربانیت" نقش تعیین‌کننده‌ای، در تربیت باجهان بینی توحیدی دارد. چون رب، افاده مالکیت و مدبریت مطلق دارد. و ربوبیت و خالقیت تفکیک‌ناپذیرند. و فقط خالق می‌تواند رب باشد. در این تصویر پردازی حقیقی، تربیت از منظر قرآن، شناخت خالق، مالک و مدبر هستی، پذیرش اوبه عنوان رب یگانه و عمل به اوامر و نواهی او، که همان دین کامل است. پس همه امور از طریق الگوهای کامل هدایت می‌شود. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره انعام، ۱۶۲). زیرا در نظام ربوبی الگوی کامل جهت‌دهنده به همه امور والگوی تمام عیار هدایت شده و هدایت‌کننده است. هستند.

### واژگان کلیدی

مفهوم شناسی الگوی قرآنی، مفهوم شناسی تربیت، تصویری پردازی الگوی تربیتی توحیدی.

۱. دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## طرح مسأله

خداوند قرآن را برای هدایت انسان فرستاد، و آن را، بیانگر همه چیز نامید. «... تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ...» (نحل، ۱۶، ۸۹). و هدف از بعثت پیامبران الهی را تعلیم و تربیت انسان اعلام فرمود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه، ۶۲، ۲). و پیامبر (ص) را به عنوان الگوی تربیتی توحیدی، سرمشق نیکو، شایسته و کامل معرفی نمود. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۳۳، ۲۱). امام علی (ع) پیامبر را الگوی کامل نامید. و او را برای هدایت و تربیت کافی دانست. «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ» (صبحی صالح، ص ۲۲۶). از منظر قرآن، راه و روش رسیدن به سعادت دنیا و آخرت پیروی از الگوی تبتی توحیدی و شایسته است، چون قرآن هدف اصلی خلقت را تربیت انسان می‌داند، و تربیت را محدود به علوم دنیوی نمی‌داند. با این نگاه به تربیت، نقش الگوهای الهی، بیشتر روشن می‌شود. و این الگوهای هدایت شده و عملی تاثیرات عمیقی را در پیروان خود خواهند گذاشت. و استحکام تربیت دینی به جهان بینی توحیدی و ربوبی شدن انسان است.

در پیشینه این پژوهش، تلاش‌های فراوانی از بزرگان و صاحب نظران در علوم اسلامی، اعم از فلسفه و تفسیر و نیز صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلامی انجام پذیرفته است. و کتب و مقالاتی در این رابطه به رشته تحقیق و پژوهش درآمده است. و در مباحث فلسفی، کلامی و فقهی، در ذیل آیات یا مباحث به آنها پرداخته شده است. و باید اذعان نمود، که کمتر بحث مدون و عمیقی به صورت مستقل، انجام شده است. در این مقاله سعی شده است، تا ضمن تبیین مفهوم شناسی اسوه و تربیت، به ضرورت، اهمیت، ویژگی‌ها و مصادیق مهم الگو در قرآن پرداخته شود. و تاثیر گذاری آن در تربیت که دانشی کاربردی است، اشاره گردد. تحقیق در این مقاله از نوع بنیادی و از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

در این پژوهش تصویر پردازی زیبایی شناسانه از نقش الگوی تربیتی توحیدی در تربیت ربوبی از منظر قرآن و حدیث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## مفهوم شناسی تربیت

تربیت مصدر باب تفعیل از ماده ربو است. که معنای آن زیادت و فزونی است. (راغب اصفهانی، ماده ربو)، و به معنای: "برآمدگی و زیادتی است، به بهره پول نیز ربا می گویند، همین معنای اصلی در مصدر باب افعال بدون هیچ تغییری به جا مانده است. چرا که «ارباء» به معنای زیاد کردن است، «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ...» (بقره، ۲، ۲۷۶)، «مصبح یزدی، ص ۲۵). و به معنای تهذیب هم بکار رفته است، که زدودن ویژگی های ناپسند اخلاقی است. «ربی الولد: هذبه» (لویس معلوف، ماده، ربو). و چون تهذیب موجب افزایش معنویت و زمینه سازتعلیم است. از این جهت، تربیت است. و معمولاً در رابطه با انسان مفهوم رشد جسمانی است. «قَالَ أَلَمْ نُزَبِّكْ فِينَا وَلِيداً وَ لَكُنْتُمْ فِينَا مِنْ عُمَّرِكَ سِنِينَ» (سوره شعراء، ۱۸).

فرق بین تزکیه و تربیت آن است که "تزکیه رشدی است که بر اساس بر داشتن موانع به طور طبیعی حاصل می شود و یکی از لوازم تربیت اصلاح است، که تزکیه این نقش را به خوبی ایفا می کند. پس تزکیه مقدمه تربیت است. و هنگامی که تزکیه صورت گیرد. تربیت روند طبیعی خود را آغاز می کند، تزکیه شرط رشد است. و تربیت خود رشد است" (برومند، مهدی، ص ۳۲).

نقش پیامبران به عنوان الگوهای تربیتی توحیدی، نمایاندن موانع و باز گرداندن انسان ها به فطرت است. که می تواند تربیت خود را بر اساس اختیار انجام دهد. بر اساس این استدلال تربیت جایگاه الهی و ربوبی پیدا می کند که بالاتر از تزکیه و تعلیم است.

بنا بر این تربیت از ریشه ربو در قرآن دامنه محدود تحقیقی دارد. و نمی توان به تحقیق گسترده ای در رابطه با آن پرداخت. ولی از ریشه (رب) دامنه گسترده و وسیعی دارد. پس باید "تعلیم و تربیت اسلامی را به معنای تعلیم و تربیتی دانست، که بر مبانی معرفت شناسی، هستی شناسی، الهیاتی، انسان شناختی و ارزش شناختی اسلامی مبتنی است." (مصبح یزدی، ص ۳۵). چون "تعلیم و تربیت که دانشی کاربردی به شمار می آید. و امدار علوم بنیادی چون معرفت شناسی، متافیزیک، انسان شناسی و ارزش شناسی است، حاصل کشف و شهود عرفانی و تحقیقات تجربی در باره روح و روان انسان نیز می تواند در تعلیم

و تربیت به کار آید. و برخی علوم نیز که دغدغه آنها تعلیم و تربیت نیست از زاویه های خاص به این مساله نگریسته اند. به این ترتیب تعلیم و تربیت دارای رابطه ناگسستنی با طیف گسترده ای از دانش ها است. از قبیل روان شناسی و جامعه شناسی و نیز به علومی مانند فلسفه، کلام و فقه نیازمند است. " (مصباح یزدی، ص ۴۶-۴۹). و محدود به علوم دنیوی نیست. بر اساس فهم حاصل از این علوم جهان را توحیدی و دارای خالق یکتا و ربوبیت توحیدی می یابیم. زیرا (ربیت و ربانیت) از ریشه (رب) که به معنای ربوبی شدن و ربوبی ساختن انسان است. دارای نقش تعیین کننده ای در تبیین تربیت توحیدی و تربیت الهی انسان می باشد. چون در معنای رب، مالکیت و مدیریت نهفته است. البته کلمه رب به طور مطلق افاده مالکیت و مدیریت مطلق دارد. و در صورت اضافه شدن به غیر خدا نیز اطلاق می شود. (مانند: رب البیت) و زمانی که مطلق بیاید، منظور خدای یگانه است. و ربوبیت و خالقیت تفکیک نا پذیرند. زیرا فقط خالق می تواند رب باشد.

در این تصویر پردازی حقیقی، تربیت از منظر قرآن، شناخت خالق، مالک و مدبر هستی، به عنوان مربی و انسان به عنوان متربی و قرآن کتاب تربیت و رهبران الهی بعنوان الگوهای تربیتی و همگی، در یک مجموعه توحیدی ربوبی تعریف می شوند. که هدف اساسی خلقت در آن نهفته است. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره انعام/ ۱۶۲). و این همان توحید ربوبی است. با این استدلال تعریف تربیت در منظر قرآن، عبارت است از: شناخت خداوند و انتخاب او بعنوان مربی (ربوبیت) و پذیرش متربی بودن و تن دادن به تربیت او و تن زدن از غیر او «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوا هَذَا صِرَاطَ مُسْتَقِيمٍ» (سوره مریم/ ۳۶ و زخرف/ ۶۴) و طی نمودن راه مستقیم او و دوری جستن از راههای انحرافی، «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَأَتَّبِعُوا هَذَا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (سوره انعام، ۱۵۳). که همان تربیت دینی است. با توجه به این تصویر پردازی زیبا هیچ کتاب تربیتی به گرد قرآن نمی رسد. کتاب های آسمانی چون تورات و انجیل در برابر روی جهانیان قرار دارد اما اصول معارف بلند و اخلاقیات و تهذیب قرآن در اوج عظمت است " (جوادی آملی، ج ۳، ص ۳۰۲)، تربیت دارای ارکانی است. که نیازمند تبیین است. که این ارکان عبارتند از: مربی، متربی، الگوی تربیتی، منبع

وروش تربیتی قرآنی و نیز عوامل تربیت از منظر قرآن. که به اجمال و در محدوده صراط مستقیم خواهیم پرداخت.

## مفهوم شناسی الگوی تربیتی توحیدی از منظر قرآن و حدیث

### الف) مفهوم شناسی اسوه

این کلمه در قرآن، سه مورد به کار رفته، که همراه با کلمه حسنه می باشد. اسوه از ریشه "آسی، اسو" مضارع آن، با ضم و مصدرش "آسؤا و آسا" و جمع آن "آسی و آسی" به معنای الگو و سرمشق است. (منجد ج ۱ ص ۲۹). الگو، ممکن است شایسته یا غیر شایسته باشد. به همین دلیل در قرآن کلمه اسوه با صفت حسنه آمده است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ..» (احزاب، ۳۳، ۲۱). بنا بر این "اعمال و اقوال رسول خدا سرمشق است." (قرشی، ج ۲-۱، ص ۸۷). به معنای محزون شدن، (راغب ج ۱ ص ۵۷)، درمان و تیمار و اصلاح کردن، (محمّدی ری شهری، ج ۴، ص ۱۶۹)، اندوهگین شدن، پیشوا و اقتداء، (محقق، ج ۱ ص ۴۴۲) نیز آمده است. بنابراین کلمه "أُسْوَةٌ، اسوه" در قرآن به معنای تبعیت و پیروی از دیگران، در نیکی، یا بدی است.

در احادیث کتب روایی مشهور شیعه مانند: امالی، علل الشرایع، تحف العقول، کافی و نهج البلاغه کلمه "اسوه" حدود بیست بار تکرار شده است، که با توجه به روایات تکراری، ده روایت وجود دارد. که همیشه با صفت حسنه نیامده است. اما اکثر قریب به اتفاق، در رابطه با الگوی پسندیده است، که معمولا در سه معنا به کار رفته اند.

- ۱- اقتدا و پیروی، (معنای مصدری)، امام باقر (ع): «فلک بابی عبدالله، ای الحسین (ع)، اسوه ای، اقتداء» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۱۰۳)،
- ۲- الگو و مقتدا، حضرت علی (ع): «وانصح لمن استشارک و اجعل نفسک اسوه لقریب المسلمین و یعیدهم» (مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۲۷۶).

- ۳- سنت و روش، امام صادق (ع): «کان فی الزمان الاول ملک له اسوه حسنه فی اهل مملکت» (راوندی، ص ۱۵۸)، جبرئیل با رسول خدا همراه بودند که بوی خوشی آمد جبرئیل پرسید که این چیست، پیامبر فرمود پادشاهی که روش خوبی در مملکت داری داشته است، موید این معنا این حدیث از امام صادق (ع) است: ((فصارت اسوه و سنه))، (مجلسی، ج

۱۷، ص ۱۰۴)

هر سه مورد در قرآن به صورت مصدری به کار رفته است (طباطبایی، ج ۶، ص ۴۳۲)، ولی زمخشری دو احتمال داده است، یکی این که وجود رسول خدا (ص) فی نفسه، اسوه حسنه و مقتدا به است. و دیگری این که وجود رسول خدا (ص) دارای خصلتی است، که جا دارد، مردم در صفت به آن حضرت اقتدا کنند. (زمخشری، ج ۳، ص ۵۳۱). ولی به هر حال به معنای الگو تربیتی توحیدی و شلیسته آمده است.

### ب) واژه های متقارب

در قرآن واژه هایی "مانند: اقتداء، امام، شهید و مثل". آمده، که دارای معنای متقارب با اسوه است. (دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۳، ص ۳۲۳)، که به اجمال به آنها می پردازیم.

۱- "قدوه": دوبار در قرآن آمده است: یکی در مورد تبعیت از هدایت انبیاء، «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْتُهُمْ أَقْتِدَةً» (انعام، ۶، ۹۰)، و دیگری در مورد تبعیت از گمراهان و سنت آباء و اجدادی: «(وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ)» (زخرف، ۴۳، ۲۳) این واژه و مشتقات آن بیش از دویست مورد در احادیث آمده است. که به معنای تبعیت و پیروی از یک رهبر و امام و یا سنت حسنه ای به کار رفته است.

۲- "امام": که در مورد ابراهیم (ع) به کار رفته است. «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره، ۲، ۱۲۴) و همچنین آیه «وَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...» (انبیاء، ۲۱، ۷۳)، (طباطبایی، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۲) که هر دو به مقتدا و پیشوا بودن اشاره دارد.

۳- "شهید": که به یک معنا به الگو اطلاق می گردد. و معنای دیگر آن گواه است، «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ...» (نحل، ۱۶، ۸۹) و «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...» (بقره، ۲، ۱۴۳)، "پیامبر اسوه و قدوه مردمی که او را می بینند و به او تاسی می کنند. و هم به معنای شهادت برای اعمال است". (جوادی آملی، ج ۶، ص ۱۱۱). که معنای

الگوی دارد.

۴- "مثل: "خداوند افرادی را به عنوان مثل و نمونه برای مومنان معرفی می کند، «و ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... \* وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...»، (تحریم، ۶۶، ۱۲ و ۱۱)، که در برخی از صفات آنها را به عنوان الگو به تصویر کشیده است.

بنابر این اسوه در منابع اسلامی به معنای پیروی کردن، اقتدا نمودن، مقتدا، سنت و روش آمده است و معادل فارسی آن الگو و سرمشق است، که البته از وسعت معنای بیشتری برخوردار است. اسوه معمولاً در مورد الگوهای انسانی می آید. و بیشتر در مورد تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می رود. در صورتی که الگو علاوه بر اینها به معنای طرح، مدل، نمونه و غیره نیز آمده است.

مفهوم اصطلاحی اسوه و الگو در تربیت کاملاً با معنای لغوی تطابق دارد. و الگو به طرح، نمونه و یا مدلی از شکل یا اشیاء یا موردی از رفتار اطلاق می شود، در تربیت الگو به کسی می گویند، که به دلیل برخوردار بودن از برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی باشد، در روانشناسی اجتماعی نیز کسی که رفتارش مورد تقلید کودکان قرار گیرد، مدل خوانده می شود و در علوم اجتماعی، الگوهای آن، شیوه های زندگی هستند، که از صورت فرهنگی نشأت می گیرد. و افراد در عمل به صورت طبیعی با این الگو سر و کار دارند. و اعمال آنها با این الگوها تطابق می یابند. همانطور که مشاهده می گردد. معنای اصطلاحی الگو در این سه علم بسیار به هم نزدیک هستند.

### ج) ضرورت و چرایی الگو

برای چرایی و نیاز به الگو، باید به هدف اساسی خلقت توجه نمود. پیامبر(ص) هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق معرفی می نماید. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ص ۸) و از بنده خود ابراهیم (ع) می خواهد. تا همه اعمال را برای خداوندی انجام دهد، که پروردگار جهانیان است. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۶، ۱۶۲) زیرا اخلاق، ربوبی شدن اعمال است. و در تربیت توحیدی الگوی کامل ضروری است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ..» (احزاب، ۳۳، ۲۱). و رسالت الگوی تربیت توحیدی هدایت به سوی رب مطلق و برداشتن موانع

است. تا با راهنمایی او هدایت راطب کند. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۱، ۶). زیر برای ربوبی شدن اعمال پیروی از الگوی کامل ضروری است. الگویی که هم کامل هدایت شده است. وهم رسالت تزکیه و تعلیم رابه دوش می کشد. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۳، ۱۶۴). این هدایت، تربیت ربوبی را به دنبال خواهد داشت. و نتیجه آن عمل صالح با ایمان به خدا و حیا طیه و قرب الهی است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۱۶، ۹۷). و این همان ربوبی شدن است. که وقتی مسیر الهی را طی کند. به اخلاق نیکو ختم می شود. «...إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۲، ۱۵۶). از سوی او بودن و به سوی او برگشتن است. که نهایت تلاش ربوبی، قرب الهی است. «(يَأْتِيهَا الْانْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ)» (انشقاق، ۸۴، ۶). و به قرب الهی، جز از طریق تلاش و کوشش نمی توان رسید.

این مسیر سخت و دشوار بدون هدایت و راهنمایی امکان عبور از آن، حتی بوسیله عقل به تنهایی امکان پذیر نیست، بلکه علاوه بر عقل نیاز به هدایت بیرونی هم دارد. و خداوند بر اساس حکمت، راهنمایی و هدایت انسان را تضمین نموده است. «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ» (لیل، ۹۲، ۱۲). و شرط این هدایت و راهنمایی را مجاهدت و کوشش آنهم در مسیر درست و براساس اختیار می داند. «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...» (عنکبوت، ۲۹، ۶۹). نتیجه تلاش آن که، خداوند راه را نشان می دهد. «وَ عَلَى اللَّهِ قَضُؤُ السَّيْلِ...» (نحل، ۶۹، ۹). و ربوبیت خداوند به انسان می آموزد، از خداوند درخواست هدایت کند. و الگوبخواهد. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۱، ۶). علاوه بر این که صراط، بزرگراه رسیدن به قرب الهی و راه الگوهای هدایت یافته است. که به آن ها نعمت داده است. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...» (فاتحه، ۱، ۷). هدایت در صراط را خداوند موجب ریزش باران رحمت خود و نعمت گیرندگان را که بر اساس تلاش و کوشش تربیت یافته اند، معرفی می نماید «وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا» (نساء، ۴، ۶۹). کسانی که در صراط قرار گرفته اند. هم هدایت شده اند. و هم الگوی هدایت اند. به همان میزان که هدایت شده



اند. و با هر ابعادی به همان میزان الگو قرار می گیرند. پیامبر(ص) بدون هیچ استثنایی الگوی کامل است.

چون هدایت بدون الگو امکان پذیر نیست. و الگو نیز خود باید هدایت یافته باشد تا بتواند هدایت کند. «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس، ۱۰، ۳۵). پس تربیت بدون الگوی عملی امکان پذیر نیست.

روش الگویی روشی بی بدیل و از روش های کاربردی و عملی است. که اثرات تعیین کننده ای در تربیت انسان دارد. «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران، ۳، ۵۳) با استناد به اینکه تربیت بدون الگو امکان پذیر نیست. و چون انسان موجودی است دارای جسم و روح که روح انسان دائمی و حقیقت انسان را تشکیل می دهد. و مخصوص این دنیا نیست. پس علوم این دنیا نمی توانند، هدایت انسان را در مسیر آرمانی قرب الهی، تربیت ربوبی و معرفت توحیدی انا لله و انا الیه راجعون، عهده دار گردد. و انسان برای رسیدن به این اهداف بلند نیاز به قانون و راهنما دارد. و قانون باید و حیانی و دائمی و مربوط به دو دنیا باشد. وحی به عنوان قانون الهی برای تربیت انسان نیز نیاز به راهنما دارد. که الگوی کامل باشد، که در سه ناحیه ی گیرایی، نگهداری و ابلاغ وحی در معرض خطا نباشد. چون هم قانون و هم الگو در معرض انحراف از صراط و هدایت قرار می گیرند. بنابراین "جامعه بشری بدون اسوه و الگو و بی مرجع حل اختلاف و فصل الخطاب هرگز به سعادت ویژه خویش بار نمی یابد" (جوادی آملی، ج ۳، ص ۲۳) بر این اساس انسان دارای دو حجت است، عقل و پیامبر(ص) که قسمتی را عقل هدایت می کند و قسمت دیگر را پیامبر(ص)، «(إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَنْبَاءُ ع وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ))» (کلینی، ج ۱، ص ۱۶) در مجموع مطالب و مستندات فوق ضرورت و چرایی الگو به عنوان تاثیر گذار ترین عامل تربیتی مشخص می گردد.

#### د) الگوهای تربیتی توحیدی

چون الگو پذیری و هدایت رمز موفقیت و تربیت یافتن انسان است. لذا به نمونه هایی

از الگوهای قرآنی اشاره می‌گردد.

### ۱ - پیامبران الگوهای کاملی که از نظر قرآن

الف) هدایت یافته‌اند. الگوی کامل از هر جهت باید هدایت یافته باشد. «أَوْلَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَقْتَدَةً...» (انعام، ۶، ۹۰). در این آیه دستوراتدا به هدایت است. "موضوع مهم، تبعیت از هدایت پیامبران قبل است. نه از آنها." (طباطبایی، ج ۷، ص ۲۶۰)

ب) ایصال به مطلوب می‌کنند. و خداوند پیامبران را امام قرار داد، تا مردم را به مقصد برسانند. چون از ویژگی‌های الگو راهنمایی مردم به مقصد است. «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا...» (انبیاء، ۲۱، ۷۳) و خداوند، بعد از امتحان‌های فراوان ابراهیم پیامبر را به مقام امانت رساند. "پس هدایتی که منصب امام است. معنایی نمی‌تواند، غیر از رساندن به مقصد داشته باشد." (طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۰۴).

ج) شاهدند. دلیل دیگری از آیات قرآن و احادیث بر اسوه بودن پیامبر(ص)، کلمه «شاهد» است. پیامبر(ص) در این دنیا و در آن دنیا، شاهد برای انسان‌ها است. «إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا» (مزل، ۷۳، ۱۵).

در قرآن برای دو نفر از پیامبران الهی واژه اسوه حسنه به صراحت به کار رفته است. پیامبر اسلام(ص) (احزاب، ۲۳، ۳۱) و ابراهیم(ع) در دو مورد (ممتحنه، ۶۰، ۴ و ۶). و با توجه به معرفی پیامبر به عنوان الگوی حسنه، همه اعمال پیامبر(ص) حجت و قابل پیروی است. زیرا در آیه هیچ قید و شرط و استثنایی وجود ندارد.

### ۲ - اهل بیت(ع)

از منظر قرآن پیامبر(ص) در همه اعمال(قول، فعل و تقریر) غیر از احوال شخصیه، برای ما حجت و الگوست. و چون اولاد هدایت و تربیت دائمی است. ثانیاً بدون الگو امکان پذیر نیست. پس الگو هم باید دائمی باشد. و شاهد و حاضر هم باشد. به همین دلیل باید بعد از پیامبر(ص) هم الگوهایی وجود داشته باشد. و همه شرایط الگویی پیامبر را هم داشته باشد. و پیامبر دیگری هم وجود ندارد. بنا بر این پیامبر(ص)، الگوهای بعد از خود را از طرف خدا معرفی می‌نماید. «هُمُ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي مَنْ تَبِعَهُمْ نَجَا مِنَ النَّارِ وَ مَنْ أَقْتَدَىٰ بِهِمْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ لَمْ يَهَبِ اللَّهُ عَذْرًا وَ جَلَّ مَحَبَّتَهُمْ لِعَبْدٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.» (بحار، ج ۳۸، ص

۹۲). پذیرش این امر عقلا و نقلحجت است. چون هدایت بدون هادی امکان پذیر نیست. که یک برهان عقلی است. و قول پیامبر (ص) حجت نقلی است، چون واجب الاطاعه است. امام حسین (ع) فرمود: «لکم فی اسوه» (مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۸۲). و حدیث شریف ثقلین که از احادیث متواتر است. دلیل محکم تری بر این استدلال است «إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي، و إنهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض، ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا» (بحرانی، ج ۲، ص ۳۲۳). علاوه بر احادیث منقول در این باب قرآن نیز اهل بیت (ع) را اسوه و قدوه می داند. «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِي الْمُؤْمِنِينَ» آل عمران، ۳، ۶۸). که در اینجا منظور آیه را ائمه می دانند. (بحرانی، ج ۱، ص ۶۴). پس ائمه (ع) الگوی کامل تربیتی هستند.

### ۳- مریم و آسیه (ع)

قرآن مریم (ع) و آسیه (ع) همسر فرعون را مثال، نمونه و الگو معرفی می نماید. یکی به عنوان نمونه عفت و پاکدامنی و نشان مادری و محل ظهور معجزات الهی و دیگری به عنوان کسی که در برابر سختی ها و فضای اشرافی مقاومت کرد «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...» (تحریم، ۶۶، ۱۱)، «وَ مَرْيَمَ إِتَتْ عِمْرَانَ...» (تحریم، ۶۶، ۱۲) البته این الگوهای شایسته با برخی از صفات به تصویر کشیده شده اند.

### ه) ویژگی های الگو

در قرآن و احادیث، برای الگوهای تربیتی توحیدی و شایسته ویژگی هایی بیان شده است که به برخی از مهم ترین آنها اشاره می گردد.

۱- الگوهای شایسته خود هدایت یافته اند. «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ...» (انعام، ۶، ۹۰).

۲- الگوهایی دارای صبر و یقین در هدایت و تربیت اند. «وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوَفِّقُونَ» (سجده، ۳۲، ۲، ۵۳).

۳- بر اساس فطرت الهی تربیت می کنند. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم،

۴- هدایت و تربیت در صراط مستقیم. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۱، ۶). می‌کند.

۵- همه اقدامات آنها سمت و سوی الهی و ربوبی دارد. ((قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)) (انعام، ۶، ۱۶۲). و انسان را به ربوبی شدن می‌خوانند.

### تصویر زیبایی شناسانه نقش الگوی تربیتی توحیدی از منظر قرآن وحید

#### الف) ارکان تربیت ربوبی

قرآن هنر نمایی زیبا شناسانه ای را از نقش الگوی تربیتی ربوبی در جهان بینی توحیدی به تصویر کشیده است. در این هنر نمایی از سه منظر به تربیت پرداخته است:

۱- از منظر الگو و امام که با آزمایش های فراوان و موفقیت در آن ها هدایت یافته و به جایگاه رفیع امامت و الگوی کامل را کسب نموده است. «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا..» (بقره، ۲، ۱۲۴). هدایت و تربیت بدون الگو و امام امکان پذیر نیست.

۲- از منظر امت و جامعه ای که برای تربیت و ربوبی شدن و نمونه شدن باید الگوی کامل و امام را الگوی خود قرار دهد. «وَ كَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا..» (بقره، ۲، ۱۴۳). و امت بدون امام و الگو هدایت نمی‌گردد.

۳- از منظر هدایت و تربیت چون الگو و امام، هدایتگر امت است. و بین آنها تعامل دو جانبه وجود دارد. و قرآن هدفی را برای آنها مشخص و راه رسیدن به آن هدف را نشان داد. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۱، ۶). و برای رسیدن به این هدف نقشه راه را تعیین کرد. «إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، ۱۷، ۹). و آن را بهترین، زیبا ترین، محکم ترین و مطمئن ترین نقشه راه معرفی نمود.

با این تصویرپردازی، صراط مستقیم راه، پیامبر(ص) راهنما و الگو، انسان مسافر و قرآن، قانون، مقررات، علائم و نشانه ها و نرم افزار آن، استعداد های نهفته در فطرت است. رسالت پیامبر(ص) هدایت انسان، به آنچه خود پیموده می باشد. که این مهم بر اساس الگو انجام می پذیرد. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ..» (احزاب، ۳۳، ۲۱). این

برنامه حکیمانه را هدایت نا مگذاری کرده، و شرط موفقیت در آن را اختیار، اراده و کوشش و خواست انسان قرار داده است. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...» که در آن صورت انسان به صراط مستقیم هدایت می شود.

### ب) صراط مستقیم فرایند کامل تربیت توحیدی

چون همه مولفه های تربیت، اعم از: ۱- مربی (رهبران الهی الگوهای کامل) ۲- مربی (انسان) ۳- روش تربیت (ربوبی شدن و ربوبی ساختن از طریق سیبهای الهی که روش های تربیت هستند) ۴- منبع تربیت (قرآن و پیامبر)، مسیر تربیت (از اویی و به سوی اویی) ۵- هدایت (نشان دادن راه از وضع موجود تا وضع مطلوب) را برای تربیت انسان ارائه نموده است. که وجود و قوام همه آنها بر صراط مستقیم، استوار است. چون خالقیت و ربوبیت انفکاک نا پذیر است، و دو عنصر مالکیت و مدبریت در ربوبیت مطلق از آن خداست. و صراط مستقیم راه یگانه و ربوبی خداوند، برای همه موجودات از آن جمله انسان است. بنابراین تربیت فقط با صراط مستقیم یا همان دین کامل شکل می گیرد. و در سایه اجرای احکام دین (قرآن و تبیین پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)) می تواند در مسیر ربوبیت و قرب الهی قرار گیرد. و راههای تربیتی مانند: شرک، نفاق، دروغ، و... که بر اساس فطرت، انجام نمی پذیرد، راههای عدمی هستند. و حتی علم تازمانی که به بینش (بصیرت) تبدیل نشود، علم نافع نیست. و علم نافع علمی است، که بر اساس آن به هستی، شناخت واقعی پیدا می کند. و هستی را تعین دار می بیند. و جهان بینی را توحیدی می شناسد. و رابطه هستی با مبدا هستی را می فهمد. به همان اندازه که بینش او افزایش می یابد. او در صراط مستقیم قرار گرفته، تربیت شده، ربوبی و توحیدی می گردد، که از آن تعبیر به قرب الهی می شود، چون صراط مستقیم، راه خداست. و خداوند خود را حافظ و ضامن این راه معرفی نموده است. امام صادق (ع) می فرماید: "اقتدا کردن به انبیاء و اولیای الهی و صالحین، ساده ترین راه و بهترین روش و پسندیده ترین شیوه ای است. که هیچ گونه احتمال خطا، انحراف و اشتباه در آن داده نمی شود و این همان معنی: «اهدنا الصراط المستقیم...» (مصطفوی، ص ۲۴۹) می باشد. و در برابر شیطان که گفت: انسان ها را از راهت گمراه می کنم. فرمود: «قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» (حجر / ۴۱) این راه مستقیم من

است. پس خداوند می‌خواهد با صراط مستقیم تربیت کند، و در صراط مستقیم، قرار دهد. و شیطان مخالف تربیت است، می‌خواهد از صراط مستقیم دور کند. و خداوند از راه خود حمایت می‌کند. همه اقدامات انسان، اعم از روحی و جسمی در صورتی تربیت محسوب می‌شود، که در مسیر صراط مستقیم، دین‌قیم، جهان‌بینی توحیدی و توحید ربوبی قرار گیرد.

### ج) الگوهای کامل تربیتی توحیدی مصادیق صراط مستقیم

قرآن و رهبران معصوم الهی مصادیق صراط مستقیم هستند. و "پیروی علمی و عملی از قرآن و امام معصوم (ع). نیز گام نهادن در بزرگ راهی است. که یقیناً به مقصد می‌رسد. و صراط همین بزرگراه است." (جوادی آملی، ج ۱۶، ص ۲۵۹). میزان صراط بودن انسان بر اساس حب امام و اهل بیت (ع) است. که پیروی از آن الگوهای کامل بهترین و مطمئن‌ترین روش تربیتی است. و "امام صادق (ع) فرمودند: «أَبْثُكُم عَلَى الصُّرَاطِ أَشَدَّ كَمَّ حَبَّ أَلَى وَ لِأَهْلِ بَيْتِي» (محمّدی ری شهری، ج ۱، ص ۲۳۱). چون شیطان بر صراط راهی ندارد. بر مصادیق قرآن و پیشوایان معصوم هم دسترسی ندارد. «...لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (اعراف/ ۱۶) و چون صراط مسیر عباد مخلص است. و شیطان به صراط دسترسی ندارد. «إِلَّا لَأَعْبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (حجر/ ۴۰). بنابراین انحراف در صراط وجود ندارد. و انحراف برای کسانی است. که در راه هستند و به درجه بندگی و اخلاص نرسیده‌اند. امام صادق (ع) فرمود: "صراط رسیدن به شناخت خداست، و آن دو تاست، صراطی در دنیا و صراطی در آخرت، آن صراطی که در دنیاست همان امام واجب‌الاطاعة است. هر کس در دنیا او را بشناسد و از هدایت او پیروی کند، در آخرت از روی صراط که پللی است، بر روی جهنم به راحتی می‌گذرد. و هر کس امام را در دنیا نشناسد. پایش از صراط آخرت می‌لغزد و به جهنم می‌افتد. (مجلسی، ج ۳، ص ۷۵۳). پس صراط شناختی از خداست که انسان را هدایت و تربیت می‌کند. و هدایت آن حتمی است. پس نهایت صراط همان لقای الهی، قرب الهی، به کمال رسیدن و تربیت انسان است. که الگوهای کامل و معصوم از چنان مرتبه‌ای بر خوردارند. و به متری راه طی شده را می‌نمایانند. و هر کس به اندازه کمال خود، ولی همه به خدای خود می‌رسند. «...إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/ ۱۵۶). لیکن صراط مستقیم

انسان را به خدای رحمان می‌رساند. «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا...» (انعام/ ۱۵۳) و راه‌های ضلالت به «خدای منتقم» می‌رسانند. «...فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ» (صافات/ ۲۳). مواجهه اهل صراط مستقیم با رحمانیت خدا و اهل ضلالت با انتقام اوست. بنا بر این «صاحبان صراط کسانى هستند. که مشمول عالی‌ترین نعمت‌های خدا که حتی از نعمت ایمان کامل هم بالاتر است می‌باشند.» (طباطبایی، ج ۱، ص ۳۶). در حقیقت حوزه معنایی صراط مستقیم فراگیرترین اصطلاح برای همه ارزش‌های دینی-اخلاقی است.

#### د) نقش الگوهای تربیتی توحیدی

نقش الگوهای تربیتی توحیدی، در تربیت نقش بسیار ویژه‌ای است. در تربیت بیان مطالب و سخن گفتن نقش بسزایی دارد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ الْبَيِّنَاتِ سِحْرًا وَمِنَ الْعِلْمِ جَهْلًا وَمِنَ الْقَوْلِ عَيْبًا» (مجلسی، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۳۹). اما عمل نقش بسیار بالا و تعیین‌کننده‌ای دارد. و کسی که خود را الگو و اسوه و مقتدا قرار می‌دهد. باید با عمل خود، بیش از سخن در پیروان تأثیرگذار باشد. علی (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلْسِنَتِكُمْ» (مجلسی، ج ۵، ص ۱۹۸، ح ۱۹). و مقتدا و الگوی مردم، باید خود را قبل از دیگران تعلیم و قبل از زبان با عمل و رفتارش تربیت کند. و کسانی که مرتبی و معلم خود هستند. بیش از کسانی که معلم و مرتبی دیگرانند، قابل احترام هستند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَنْبَغْ لَهُ أَنْ يُعَلِّمَ نَفْسَهُ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (مجلسی، ج ۵۶، ص ۳۳). بنابراین این رشد استعداد‌های انسان و شکوفایی آن از طریق شناخت و پیروی از الگوهای توحیدی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.. و «جامعه بشری بدون اسوه و الگو و بی‌مرجع حل اختلاف و فصل الخطاب هرگز به سعادت ویژه خویش بار نمی‌یابد» (جوادی آملی، ج ۳، ص ۲۳). و در همه زوایای زندگی تأثیرگذار است

#### ه) قالب‌های الگویی تربیتی توحیدی

قرآن الگوهای تربیتی خود را در قالب گزاره‌های متنوع به تصویر کشیده است. گاهی در قالب داستان، گاهی در قالب شهر و قریه، گاهی در قالب صفات یک قوم، گاهی

در قالب یک فرد کامل، گاهی در یک صفت کلی و گاهی در یک صفت فردی که به صورت مجمل به آنها می‌پردازیم:

۱- تصویر پردازی از "صفات کلی" والگو قرار دادن این صفات برای تربیت انسان، که دو نمونه آن، صفت توبه و تطهیر است. «...إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره، ۲، ۲۲۲) چون تطهیر و توبه هر دو برگشت، به پروردگار یگانه است. «...إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده، ۵، ۲۷) که در این آیه منحصرأ از متقین پذیرفته می‌شود. و در جای دیگر تصویر پردازی در مورد محسنین است. «(ءَاخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ إِنْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مَعَ سِينِينَ)» (ذاریات، ۵۱، ۱۶) از این موارد در قرآن کریم فراوان است. اما هر چهار مورد در توحیدی بودن و رعایت فرامین الهی و ایمان به خدا نمایش مشترک و درامور دیگر نمایش متفاوت اما ربوبی رابه تصویر می‌کشند. تا الگوی تربیتی رابرای انسان به نمایش بگذارند.

۲- تصویرپردازی از "قوم هدایت یافته". اقوامی که به دلیل پیروی از قرآن و دوستی اهل بیت (ع) و تبری از دشمنان خداوند آنها را اسوه و الگوی تربیتی توحیدی قرار می‌دهد، و آنها را الگوهای شایسته برای هدایت دیگران قرار می‌دهد. تا دیگران از آنها پیروی و از رفتارشان الگو بگیرند. رسول خدا (ص) در این رابطه می‌فرماید: «يُؤَفِّعُ اللَّهُ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْعِلْمِ بِتَأْوِيلِهِ وَبِمَوَالِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَالتَّبَرِّي مِنْ أَعْدَائِنَا أَقْوَاماً ، فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْحَيْرِ قَادَةً ، وَهَدَاةً يُهْتَدَى بِهِمْ ، وَأَمَّةً فِي الْحَيْرِ تُفْتَضُّ آثَارُهُمْ ، وَتُزَمُّ أَعْمَالُهُمْ ، وَيُقْتَدَى بِفِعَالِهِمْ» (مجلسی، ج ۹۲، ص ۱۸۳)

۳- تصویر پردازی از "انسان کامل" و الگو قرار دادن او، که در این نوع تصویر پردازی یک الگوی تمام عیار تربیتی توحیدی را به نمایش می‌گذارد. تا او را به عنوان الگوی مطمئن و کامل، نشان دهد. «(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا)» (احزاب، ۳۳، ۲۱). و پیامبر را الگوی تربیتی باویژگی توحیدی نشان می‌دهد.

۴- تصویر پردازی از " بعضی صفات"، در این نوع تصویر پردازی، بعضی از صفات فرد به نمایش گذاشته می‌شود، تا الگوی تربیتی و توحیدی پیروان قرار گیرد. «وَ اذْكُرْ فِي



الْكِتَابِ إِسْمٌ اَعِيْلٌ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (مریم، ۱۹، ۵۴) که "خداوند سبحان او را به ثنای جمیلی ستوده و صادق الوعد خوانده است." (طباطبایی، ج ۴، ص ۶۳). تا الگویی تربیتی برای صادق الوعد بودن پیروان باشد.

### و) عوامل تاثیر گذار، در پیروی از الگوی تربیتی توحیدی

نوع نگاه به زندگی، دنیا، آخرت، زهد و پارسایی، سلوک با دیگران، نفی اشرافیگری و ظلم ستیزی همگی می تواند تحت تاثیر الگوی تربیتی توحیدی و شایسته قرار گیرد. به برخی از آثار الگوی شایسته در مرتبی اشاره می کنیم:

#### ۱- دوست داشتن الگوی تربیتی توحیدی

در پیروی از الگوی تربیتی توحیدی و شایسته، برای هدایت انسان باید به همه قول و فعل و تقریر الگو بر اساس محبت و دوستی عمل نمود. امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ حُبَّنَا وَ مَوَالَاتِنَا، وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتَنَا، أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنَا، فَإِنَّ مِنْ شَأِنِنَا الْوَرَعَ وَ الْإِحْتِهَادَ وَ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَيَّ الْبِرَّ وَ الْفَاجِرِ، وَ صِلَةَ الرَّحِمِ، وَ إِقْرَاءَ الضَّيْفِ، وَ الْعَفْوَ عَنِ الْمُسِيءِ، وَ مَنْ لَمْ يَقْتَدِ بِنَا فَلَيْسَ مِنَّا» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۱۱۵، ح ۱۲)، پیروی از الگوی کامل، انسان را به پارسایی و سخت کوشی (در عمل و طاعت) و برگرداندن امانت و صله رحم و مهمان نوازی و گذشتن از بدی دیگران، هدایت می کند، که نمونه هایی از تربیت اسلامی است

#### ۲- نگاه دینی به الگوی تربیتی توحیدی

پیروی از الگوهای تربیتی توحیدی و شایسته نگاه به دین و دنیا را در انسان اصلاح و واقعی می کند، رسول خدا (ص) می فرماید: «مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فَأَقْتَدَى بِهِ وَ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَحَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا فَضَّلَهُ بِهِ كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَ صَابِرًا» (پاینده، ص ۴۵۶). پیروی از الگوی برتر دینی و پایین تر دنیوی و پذیرش آن انسان را از راه و روش تربیتی شکر و صبر به صراط مستقیم و تربیت ربوبی هدایت می کند.

#### ۳- راضی بودن به نگاه الگوی تربیتی توحیدی

از موارد پیروی از الگوی تربیتی توحیدی و شایسته، دل کندن از دنیا، ورعیت حریم دنیا بر اساس الگوی شایسته است. امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّمَا الدُّنْيَا حَلَالُهَا حِسَابٌ

وَحَرَامُهَا عِقَابٌ وَأَنْتَى لَكُمْ بِالرُّوحِ وَلَمَّا تَأَسَّوْا بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ تَطْلُبُونَ مَا يُطْعِمُكُمْ وَلَا تَرْضَوْنَ مَا يَكْفِيكُمْ» (کلینی، ج ۲، ص ۴۵۹، ح ۲۳) البته این به معنای ترک دنیا نیست. بلکه رعایت حدود و ثغوری است، که الگو عمل می‌کند. و مرتبی باید پیروی کند.

#### ۴- نفی اشرافیگری در الگوی تربیتی توحیدی

پیروی از الگوی تربیتی توحیدی، انسان را از اشرافی‌گری باز می‌دارد. «الإمام الصادق (ع): إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) رَوَّجَ الْمُقْدَادَ بْنَ أَسْوَدَ ضَبَاعَةَ بِنْتِ الرَّبِيعِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا رَوَّجَهَا الْمُقْدَادُ لِتَنْضِعَ الْمَنَاكِحُ وَلِيَتَأَسَّوْا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَلِتَعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. وَكَانَ الرَّبِيعُ أَخَا عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي طَالِبٍ لِأَيِّهِمَا وَ أُمَّهُمَا» (کافی، ج ۵، ص ۳۴۴ ح ۲). پیامبر خدا، ضباعه دختر زبیر بن عبدالمطلب را به ازدواج مقداد بن اسود در آورد. او را به این سبب به همسری مقداد در آورد که اشرافیگری در ازدواج از بین برود. در این حدیث عمل پیامبر (ص) به عنوان اسوه و الگو ازدواج دو خانواده متفاوت، القاء زدودن خوی اشرافی‌گری است. که از طریق یک الگوی شایسته ممکن است.

#### ز) تصویر پردازی الگوی تربیتی غیر توحیدی و نا شایسته

تصویر پردازی از "جامعه الگوی نا شایسته" برای نشان دادن جامعه ای (قریه ای) که خدا با فرستادن پیامبر برای آنها نعمت خود را به حد کمال رسانده است. اما آنها با پیامبر همراهی نکردند. و خداوند هم نعمت آنها را به نعمت بدل کرد. ((وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ)) (نحل، ۱۶، ۱۱۲). در این مورد یک راهبرد تربیتی با یک گزاره منفی، برای نمونه، تصویر پردازی شده، تا در تربیت انسان‌ها برای شناخت امکانات و استفاده آنها از الگوی تربیت توحیدی و دوری از الگوی نا شایسته تاثیر گذار باشد.

## نتیجه گیری

این پژوهش نشان می دهد. که رابطه تربیت با الگو همه جانبه، عمیق و تاثیر گذار است. چون تربیت دانشی کاربردی است. و امدار علمی بنیادی، مانند: معرفت شناسی، الهیاتی، هستی شناسی، انسان شناسی و ارزش شناسی است. و علوم دیگری مانند روان شناسی، جامعه شناسی، فلسفه، کلام و فقه نیز در آن نقش آفرین هستند. به همین دلیل تربیت محدود به علوم دنیوی نیست. باید تربیت متناسب با شناخت همه جانبه ای از معارف فوق مبتنی بر جهان بینی توحیدی و تربیت ربوبی انجام پذیرد. و بر اساس فهم حاصل از این علوم جهان را توحیدی و دارای خالق یکتا و ربوبیت توحیدی ببینیم. زیرا (ربیت وربانیت) از ریشه (رب) که به معنای ربوبی شدن و ربوبی ساختن انسان است. دارای نقش تعیین کننده ای در تبیین تربیت توحیدی و تربیت الهی انسان می باشد. و در معنای رب، مالکیت و مدبریت نهفته است. البته کلمه رب به طور مطلق افاده مالکیت و مدبریت مطلق دارد. و ربوبیت و خالقیت تفکیک نا پذیرند. زیرا فقط خالق می تواند رب باشد. در این تصویر پردازی حقیقی، تربیت از منظر قرآن و حدیث، شناخت خالق، مالک و مدبر هستی، به عنوان مربی و انسان به عنوان مربی و قرآن کتاب تربیت و رهبران الهی، به عنوان الگوهای تربیتی و همگی، در یک مجموعه توحیدی ربوبی تعریف می شوند. که هدف اساسی خلقت در آن نهفته است. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره انعام، ۱۶۲). و این همان توحید ربوبی است. دلیل این همه دقت و توجه قرآن و حدیث به روش الگویی آن است. که ضرورت الگوی تربیتی توحیدی و شایسته در تربیت قرآنی به حدی است که "جامعه بشری بدون اسوه و الگو و بی مرجع حل اختلاف و فصل الخطاب هرگز به سعادت ویژه خویش بار نمی یابد" (جوادی آملی، ج ۳، ص ۲۳). زیرا هدف اصلی خلقت و رسالت انبیا برای تربیت است. و بر اساس حکمت همه امکانات برای رسیدن به این هدف ضروری است. خداوند نقشه راهی را برای رسیدن به این هدف تعیین نموده است. که در آن نقش تربیتی الگو، بی بدیل است. الگوها در قرآن و حدیث به معنای پیروی کردن، مقتدا بودن و راه و روش به کار رفته است. قرآن با روشی هنرمندانه، الگوهای شایسته خود را گاهی با به تصویر کشیدن صفات کلی، از قبیل مومنون، محسنین،

متقین، صالحین و گاهی به تصویر کشیدن جامعه ای و گاهی به تصویر کشیدن فردی با صفات کامل به عنوان آینه تمام معنای الگوی تربیتی توحیدی و گاهی با ابعادی از ویژگی ها و صفات الگوی تربیتی شایسته هنر‌نمایی نموده است. و این تصویر پردازی زیبایی شناسانه، توجه ویژه متریبیان و پیروان را برای تاثیر پذیری از الگوی تربیتی توحیدی و صفات مورد، نظر ترغیب و تشویق می نماید، نکته مهم آن که الگوی تربیتی قرآنی، دارای ویژگی هایی از قبیل: مطابقت گفتار و عمل، هدایت و تربیت شدن قبل از هدایت و تربیت کردن و نیز عشق و محبت و دلسوزی به متربی است. که مهمترین رمز تاثیر گذاری الگوی تربیتی توحیدی است. بر اساس این شیوه تربیتی، نقش الگو در بین شیوه های دیگر تربیت توحیدی، نقشی کلیدی است.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- ۱- ابن فارس، احمد ابن فارس (۳۹۵ ق)، محقق، هارون عبد السلام، محمد، ناشر، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۲- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر قرآن، ناشر، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۰۶ ق.
- ۳- برومند، مهدی، شیوه های تعلیم و تربیت، ناشر کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.
- ۴- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ناشر، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ناشر، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.
- ۶- راغب، ابوالقاسم حسین ابن محمد ابن فضل (۵۰۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ناشر، کتاب فروشی مرتضوی، ترجمه و تحقیق، خسروی، غلامرضا.
- ۷- راوندی، قطب الدین محمد ابن هبه الله، محقق، عرفانیان یزدی، غلامرضا، ناشر، مرکز پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- ۸- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- ۹- صبحی صالح، تحقیق نهج البلاغه، ناشر، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۰- طباطبایی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ناشر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، قم، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۱- طبرسی، حسن ابن فضل، مکارم الاخلاق، ناشر، الشری الرضی، قم، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۲- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ناشر، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۳- کلینی، ابو جعفر محمد ابن یعقوب ابو اسحاق (۳۲۹ ق)، اصول کافی، ناشر، دفتر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، قم.
- ۱۴- لویس، معروف، المنجد، ناشر. انتشارات اسماعیلی، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۵- مجلسی، محمد باقر ابن محمد تقی (۱۱۱۱ ش) بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، ناشر، مکتب اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

- ۱۶- محقق، محمد باقر، دایره الفوائد، ناشر، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۷- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، ناشر، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۸- مصباح یزدی، محمد تقی، نظارت بر گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ناشر، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱ ش.
- ۱۹- مصطفوی، حسن، ترجمه مصباح الشریعه منصوب به امام صادق علیه السلام، ناشر، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- ۲۰- نرم افزار جامع الاحادیث نور.
- ۲۱- نرم افزار جامع التفاسیر نور.